

# مخالفان داخلی و خارجی سفر خاتمی به آلمان، کدام اهداف و انگیزه‌ها را داشتند!

**مافیای اقتصادی - تجاری حاکم بر جمهوری اسلامی، با هر نوع مناسبات جهانی که تجارت را در جهت تولید تضعیف کند مخالفند و این از جمله انگیزه‌های پر قدرت مخالفت با دولت خاتمی و مخالفت با سفر وی به آلمان بود!**

می‌شود، ایشان جمله‌ای را گفته که ما چنین استنباطی از آن نداریم، آن جمله اینست:

«کلید عادی سازی روابط با ایالات متحده در واشنگتن است. البته وقتی ایالات متحده کلیدی را در دست دارد به راحتی آن را در اختیار کس دیگری قرار نمی‌دهد. البته مدتی است که ما تحولی را در دیدگاه ایالات متحده نسبت به ایران مشاهده کرده‌ایم. اگر ایالات متحده اعتراف به اشتباه در سیاست‌گذاری‌هایش نسبت به ایران را با عمل همراه کند و در صدد جبران اشتباهات گذشته برآید مطمئناً آینده خوبی را در روابطمان با این کشور شاهد خواهیم بود.»

این همه آن چیزی است که گفته شده و من با دقت این جمله را برایتان خواندم که تا آنجا که در توان داریم جلوی تعبیر و تفسیرهای تحریک آمیز را بتوانیم بگیریم.

خدابخشان: نظر شما چیست؟

**راه توده:** بنظر من بسیار با سیاست مسئله را طرح کرده‌است. ایشان با این جمله جلوی آن تحریکات جناح راست را گرفته که مخالف سفر و گسترش مناسبات با آلمان بودند و می‌نوشتند و می‌گفتند که خاتمی می‌خواهد آلمان را واسطه مناسبات با آمریکا کند و یا بطور غیرمستقیم پیام از طریق آلمان برای آمریکا می‌خواهد بفرستد. یعنی همان کاری که خودشان مرتب در باره انگلستان سرگرم آن هستند. خاتمی در اینجا به این شایعات خاتمه داد و مشخص کرد که آمریکا خودش یک قدرت جهانی است و کلید مناسباتش را نمی‌دهد بدست آلمان. ضمناً ما می‌دانیم که کشورهای بزرگ سرمایه‌داری از جمله آلمان با آمریکا تضاد منافع دارند. بنابراین سادگی است اگر تصور شود آلمان پیام ببر و پیام بیار خواهد شد!

**جنبش مردم -** نکته دیگری که ایشان در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌اش مطرح کرد، مسئله جنبش کنونی مردم ایران بود. ایشان گفت: «کسی پیروز خواهد شد که متکی به مردم و اراده آنان باشد. جز احترام به حقوق بشر، آزادی و وجود نهادهای مدنی که پایه‌های اعمال دموکراسی هستند و آنها را نهادینه می‌کنند امکان دیگری در برابر ما و کشور وجود ندارد. من همواره مدافع مردم سالاری هستم و تمام توان و امکانات خویش را در راه استقرار آن در کشور بکار خواهم گرفت.»

**جوانان -** در باره جوانان ایران از او سؤال کردند، که گفت: «با وجود تحولات عظیمی که بخصوص در قسمت ارتباطات بوقوع پیوسته، جوانان ایرانی که من پیروزی خود را در انتخابات ریاست جمهوری، علاوه بر زنان مدیون اینان هستم، خواهان استفاده از این امکانات و دستیابی به تکنیک پیشرفته و زندگی بهتر هستند. جوانان ایران دارای درک بالائی هستند و با احساس وظیفه آماده عمل در راه دستیابی به مردم سالاری هستند.»

**روند پیچیده مردم سالاری -** در باره حقوق بشر و مردم سالاری در ایران خاتمی گفت:

«حق هر ملتی است که بر اساس فرهنگ و تاریخ خود درک ویژه‌ای از حقوق بشر داشته باشد و این برخلاف اعتقاد کشورهائی است

**راه توده:** فکر می‌کنم در ابتدای این گفتگو و بعنوان مقدمه ورود به بحثی که مربوط به سؤال شما در باره سفر آقای خاتمی به کشور آلمان است، ابتدا یک گزارش خبری را به اطلاع شما و شنوندگانتان برسانم که توسط همکاران نشریه "راه توده" تهیه شده است. بعد از مرور این گزارش بهتر می‌توانیم در باره سفر آقای خاتمی به آلمان صحبت کنیم. در این گزارش شنوندگان شما با اخبار و تفسیرهای یک روزنامه بزرگ سرمایه‌داری آلمان، یعنی "فرانکفورتر آگماینه سایتونگ" آشنا می‌شوید و با تفسیرهای مجله "اشپیگل" که در اروپا گفته می‌شود، اگر می‌خواهید بدانید سیاست و اقتصاد در آلمان به کدام طرف می‌رود، روزهای دوشنبه "اشپیگل" و روزهای جمعه و شنبه فرانکفورتر آگماینه سایتونگ را بخوانید. اینها سخنگویان جدی کنسرن‌های بزرگ سرمایه‌داری آلمان هستند. حالا اینکه مجله اشپیگل لحن انتقادی هم به خودش می‌گیرد، این دیگر انتقاد از روند کلی سرمایه در آلمان و جهان نیست، بلکه نظر هدایتی است. همینطور فرانکفورتر آگماینه. بهرحال، اینها مهم است و فکر می‌کنم شنوندگان شما هم مایل به اطلاعات بیشتری در این عرصه‌ها باشند، چون در امریکا معمولاً یورش تبلیغات - خبری چنان هدایت می‌شود، که مردم را بی‌خبر از بقیه جهان نگه می‌دارند. برای درک موقعیت سرمایه‌داری آلمان در میان کشورهای اروپائی بد نیست گفته شود که اخیراً آمار از سوی حزب کمونیست آلمان منتشر شده که نشان می‌دهد از ۹ کنسرن بزرگ سرمایه‌داری اروپا ۶ کنسرن متعلق به آلمان است!

حالا برویم به سراغ اخبار و گزارش‌های سفر آقای خاتمی به آلمان، نظر نشریات آلمان، کارشکنی‌های خارج و داخل با این سفر و اهمیت آن و سرانجام، وظیفه‌ای که ما، بعنوان میهن دوستان ایران برای بهره‌گیری از شرایط متنوع و پرتضاد جهانی، جهت حفظ منافع ملی کشورمان داریم. از جمله در باره همین سفر و قراردادهای اقتصادی آن.

ابتدا، اگر موافق باشید، نگاهی بیاندازیم به اخبار و تفسیرهای مطبوعات و رسانه‌های آلمان و بعد هم ادامه مسائل. خدابخشان: موافقم!

**راه توده:** محمد خاتمی در گفتگو با کانال دوم تلویزیون آلمان و روزنامه فرانکفورتر آگماینه سایتونگ که سخنگوی سرمایه‌داری بزرگ این کشور است گفت:

**آلمان و ایران -** «بر خلاف رابطه ایران با دیگر قدرت‌های غربی، رابطه با آلمان دارای یک گذشته استعماری نیست. ایران بازار بزرگی است در مرکز یک منطقه بزرگ و حساس و به همین دلیل یک همکاری نزدیک بین ایران و آلمان برای خیلی از کشورهای دیگر نیز حائز اهمیت است.»

البته منظور از این بازار، فقط بازار تجاری نیست، بلکه موقعیت سیاسی ایران در منطقه هم مورد اشاره است.

**امریکا -** آقای خاتمی در باره مناسبات با امریکا و دخالت احتمالی آلمان برای ایفای نقش در این ارتباط، که من شنیده‌ام در محافل سیاسی ایرانیان مقیم امریکا زیاد در باره آن حرف زده می‌شود و تبلیغ

یک کشور بزرگ سرمایه‌داری است و قطعاً در جستجوی منافع خودش است، تاکید می‌کنم که برای ما، در شرایط کنونی توازن قوا در عرصه جهانی، مانور روی تضادهای موجود بین کشورهای بزرگ سرمایه‌داری بسیار با اهمیت است. به همین دلیل تضاد و رقابت آلمان و دیگر کشورهای اروپایی و آمریکا را به سود منافع ملی خودمان در نظر بگیریم.

اگر موقعیت سیاسی - اقتصادی منطقه را یکبار دیگر مرور کنیم، آنوقت می‌بینیم که برای آلمان حضور در ایران چقدر حیاتی است. شما می‌دانید که در بازار رقابت، جای چندانی در آسیای جنوب شرقی برای آلمان وجود ندارد، ژاپن باندازه کافی پر قدرت هست که امکان مانور در این منطقه به آلمان ندهند، ضمن آنکه آمریکا هم سایه‌اش در آنجا پهن است. تازه بعد از این دو کشور، چین هم وارد رقابت شده‌است.

در امریکای لاتین، میدان رقابت اقتصادی و سیاسی به روی آلمان بسته‌است. در آفریقا هم که بصورت سنتی فرانسه میدان را در اختیار دارد، که حالا هم آمریکا برای شکستن این انحصار رقابت را چنان تشدید کرده که به گسترش جنگ‌های داخلی در این قاره انجامیده‌است. در خاورمیانه نه فقط آمریکا و انگلستان میدان را در اختیار دارند، بلکه اسرائیل هم خودش مدعی است و تا شیخ نشین‌های خلیج فارس هم جلو آمده‌است. می‌ماند کشورهای تازه تاسیس اتحاد شوروی سابق که آمریکا سهم شیر را در آنها می‌خواهد و بعد از آن هم ترکیه بدلیل هم‌زبانی با تعدادی از این جمهوری‌ها و اسرائیل هم به عنوان متحد ترکیه مدعی‌اند. همه این رقابت‌ها، طبعاً با تنش‌های سیاسی و نظامی همراه است. شما ببینید وضع چگونه‌است که پاکستان هم در این میان می‌خواهد افغانستان را تبدیل به یکی از ایالت‌های حاکم نشین خودش بکند!

بهرحال، در یک چنین شرایطی است که آلمان برای رقابت با دیگر کشورهای سرمایه‌داری بزرگ می‌خواهد مناسبات اقتصادی و سیاسی‌اش را با ایران گسترش بدهد. در واقع، ایران یگانه امکان آلمان برای ورود به صحنه این رقابت در منطقه‌ایست که از یک طرف به شیخ‌نشین‌های نفت خیز خلیج فارس و دریای آزاد وصل است، از شمال با کشورهای تازه تاسیس اتحاد شوروی سابق همسایه‌است. یعنی با آذربایجان، ارمنستان، ترکمنستان، و با کمی فاصله، با تاجیکستان، ازبکستان، گرجستان و حتی جمهوری بزرگ و پر جمعیت قزاقستان از طرف دیگر با ترکیه و عراق و از یک طرف دیگر هم با پاکستان و افغانستان، که از هر دو طرف با کمی فاصله به هندوستان و سوریه وصل می‌شود. همه این شرایط جغرافیایی را به جمعیت، ثروت و موقعیت فرهنگی ایران هم اضافه کنید تا ببینید مملکت ما چه موقعیت مهم و برجسته‌ای دارد. اگر این موقعیت به محور سیاسی - اقتصادی روسیه، چین، هندوستان هم وصل شود، آنوقت ایران وضعیت پر قدرتی را پیدا خواهد کرد. بنظر ما، قطعاً قدرت‌های بزرگ و بویژه آمریکا و انگلستان با این روند در ایران موافقت نشان نخواهند داد و علیه آن توطئه هم خواهند کرد. بخشی از مخالفت‌های داخل کشور هم در همسویی با همین مخالفت آمریکا و انگلستان است، بویژه وقتی در ایران آزادی‌ها رشد کند و مردم آگاهانه و یکپارچه پشت حکومت و دولتشان بایستند و این دولت هم دولتی ملی و متکی به اقتصادی ملی، تولید ملی و بازار داخلی باشد. این ساده‌لوحی است اگر ما تصور کنیم آمریکا و انگلیس موافق آزادی و مردم‌سالاری در ایران هستند و از یک حکومت و از یک دولت ملی استقبال می‌کنند. تاریخ ایران چنین چیزی را بخاطر ندارد. البته در این میان آلمان هم تافته جدا بافته‌ای نیست، آنچه مورد نظر و تأیید ماست مانور روی رقابت این قدرت‌ها و مناسباتی است که ایران باید بطور مستقل و در چارچوب استقلال ملی با جهان داشته باشد.

خدابخشیان: در حقیقت، اینطور که فهمیده می‌شود، دولت آلمان، مانند دوران پیش از جنگ دوم جهانی که روی ایران محاسبه استراتژیک کرده بود، اکنون هم سرگرم چنین محاسبه‌ایست!

که سعی می‌کنند درک خود از حقوق بشر را به دیگران تحمیل کنند. البته باید توجه داشت که روند دستیابی به مردم‌سالاری و دفاع از حقوق بشر و احترام به آن در ایران روندی بسیار پیچیده و نیازمند زمان است. حق تعیین سرنوشت از اجزاء حقوق بشر و شرافت انسانی است. به همین دلیل قدرت تنها بایستی از طریق ملت اعمال شود.»

به این ترتیب، آقای خاتمی مانیفست خودش و برنامه خودش را که براساس آن از مردم ایران رای گرفته‌است، یکبار دیگر در خارج از کشور و در سفر به آلمان تکرار کرد و تعهد خودش را در برابر آن اعلام داشت. بنظر می‌رسد که او سعی کرد نشان دهد که علیرغم همه کارشکنی‌ها، توطئه‌ها و مخالفت‌هایی، که طی سه سال گذشته جناح شکست خورده و طرد شده حکومت با برنامه‌های او کرده، ایشان همچنان بر سر میثاق خودش با مردم باقی است و در تفکر و اراده او تغییری ایجاد نشده‌است.

## مناسبات اقتصادی

در باره اهمیت اقتصادی این سفر هم از قول وزیر اقتصاد آلمان بشنوید که گفت: «از نظر دولت آلمان، بعنوان یک قدرت صنعتی که در خاورمیانه نیز نقش ایفاء می‌کند، تعمیق مناسبات با ایران دارای اهمیت استراتژیک است.»

شما دقت می‌کنید که وزیر اقتصاد آلمان با صراحت در باره حضور سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه صحبت می‌کند و روی موقعیت استراتژیک ایران هم در همین ارتباط تاکید می‌کند.

## مجاهدین خلق

در باره روند حوادث در ایران هم وزیر خارجه آلمان که از حزب سبزهاست، دو شب پیش از سفر خاتمی به آلمان و در ارتباط با مخالفت‌هایی که در پارلمان آلمان با این سفر می‌شد و همینطور در باره حرکات مجاهدین خلق نکته بسیار مهمی را طرح کرد و گفت:

«خاتمی اصلاحات را با دشواری پیش می‌برد. اصلاحات و شخص او یگانه امکان جلوگیری از جنگ داخلی در ایران و گسترش ناامنی در منطقه است و آلمان مخالف جدی این جنگ و ناامنی است.»

باید دید در آن پشت صحنه، بین سران اروپا، وقتی می‌نشینند و با هم حرف می‌زنند چه اطلاعاتی در باره امکان جنگ داخلی در ایران مطرح است که ایشان اینطور مسئله را طرح می‌کند. بهرحال شما به خاطر داشته باشید که آلمان پر قدرتمندترین کشور اروپایی در میان کشورهای اروپاست و این تفسیر و تحلیل، آنهم از زبان وزیر خارجه آن اعتبار قابل توجهی دارد. ضمناً، باید دید این جمله بازتاب دهنده چه اطلاعاتی در باره رویدادهای جاری در ایران است. منظورم این نکته است که ایران ظرفیت جنگ داخلی را دارد.

خدابخشیان: شما فکر می‌کنید دیگر آلمان از تر دیالوگ انتقادی پیروی نخواهد کرد و یا برعکس؟

**راه توده:** این دیالوگ انتقادی و یا گفتگوی توأم با انتقاد، در واقع راه‌حلی بود که اروپا برای حفظ مناسباتش با ایران از یک طرف و قبول تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا از سوی دیگر بود. اروپایی‌ها زیر این نام آن تحریم را تا حدودی اجرا کردند. می‌گویم تا حدودی، زیرا مناسبات اقتصادی با اروپا و حتی آمریکا حفظ شد. حتی با خود این آلمان. شما می‌دانید که در زمان دولت قبلی که می‌گویند دولت دست راستی‌های آلمان بود، همین آقای فلاحیان برای بزرگ‌ترین معاملات مربوط به تجهیزات استراک سمع و دیگر وسائل پیچیده مورد احتیاج وزارت اطلاعات به آلمان سفر کرد، در حالیکه دادگاه مربوط به ترور کردهای ایرانی هم جریان داشت. چه مناسبات انتقاد آمیزی بود؟

من برای آنکه یک وقت اشتباه نشود که مثلاً ما خیلی طرفدار مناسبات اقتصادی آلمان با ایران هستیم و یا فراموش می‌کنیم که آلمان

## نظارت دولت بر بازرگانی خارجی، سمت گیری برنامه‌های اقتصادی دولت در جهت تقویت تولید داخلی، تقویت بازار داخلی، تشکیل یک ستاد مبارزه با بحران تولید داخلی و ایجاد همه نوع تسهیلات دولتی برای ورود مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات، نه تنها با حمایت ملی روبرو می‌شود، بلکه این اقدامات، آغاز عملی یورش به پایگاه اقتصادی مخالفان جنبش و مافیای قدرت در ایران است!

**راه توده:** در رقابتی که بین کشورهای بزرگ سرمایه‌داری وجود دارد و مدام تشدید می‌شود، آلمان چاره‌ای جز این ندارد. شما همیشه به خاطر داشته باشید که سرمایه‌داری در کشورهای اروپائی یکبار بین خودشان اختلاف منافع دارند، یکبار آلمان با آمریکا اختلاف منافع دارد و یکبار همه کشورهای سرمایه‌داری اروپا با آمریکا رقابت در منافع دارند. این برخورد منافع و رقابت بین کشورهای سرمایه‌داری بزرگ بتدریج وارد مرحله بسیار جدی هم دارد می‌شود. مثلاً اخیراً وزیر خارجه آلمان، در یک سخنرانی که در یکی از مجامع وابسته به اروپای واحد کرده بود، بشدت از سیستم جدید موشکی آمریکا انتقاد کرده و گفته بود که آمریکا هسته‌های یک برخورد نظامی را دارد بوجود می‌آورد؛ و یا اروپا چند بار خیز برداشته تا یک ارتش واحد و مستقل از ناتو درست کند، اما آمریکا مخالفت و کارشکنی کرده‌است. این اخبار را ما بموقع در نشریه خودمان "راه توده" - منتشر کرده‌ایم. البته، احزاب چپ آلمان، مثل حزب سوسیالیسم دموکراتیک که از دل حزب حاکم آلمان دموکراتیک سابق بیرون آمده و یا حزب کمونیست آلمان، ارزیابی‌های جدی‌تری هم در این ارتباط‌ها دارند و معتقدند رقابت‌های موجود بین کشورهای بزرگ سرمایه‌داری و تمرکز سرمایه می‌رود تا جهان را در لبه پرتگاه یک جنگ جهانی مخوف قرار بدهد. می‌خواهم بگویم که این رقابت‌ها و اخبار را بی‌وقفه باید مورد نظر داشت و تسلیم سانسور خبری جهان توسط شبکه‌های بزرگ تلویزیونی و خبری سرمایه‌داری جهانی نشد و در واقع در مقابل برنامه سیستماتیک شششوی مغزی توسط رسانه‌های خبری - تصویری مقاومت کرد. البته این به بحث امشب ما ارتباط ندارد و من فقط یک اشاره کوتاه کردم، تا پیش زمینه‌ای باشد برای بحث پیرامون ضرورت استفاده از این رقابت‌ها در جهت تامین منافع ملی کشور خودمان.

### گفتگوی انتقاد آمیز، نام دیگر محاصره اقتصادی بود!

حالا ببینیم رقبا کیستند. انگلستان در ۲۰ سال گذشته وسیع‌ترین مناسبات آشکار و پنهان سیاسی را در ایران پیدا کرده و شرکت‌های نفتی آن هم میدان را در اختیار داشته‌اند، آمریکا در عین اتحاد استراتژیک با انگلستان، در ایران و دیگر کشورهای نفت خیز منطقه رقابت اقتصادی دارد و قطعاً این رقابت سیاسی هم هست. تلاشی که عوامل انگلستان در جمهوری اسلامی و یا طرفداران گسترش مناسبات با انگلستان در جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر کردند تا پای آلمان را از ایران کوتاه کنند و یا اجازه ندهند دستش در ایران بند شود، صحنه دیگری از این رقابت است. ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران در برلن و یا ترور قاسملو در اطریش حالا گفته می‌شود توسط کس و کسانی طراحی شد، که خود آقایان در جمهوری اسلامی می‌گویند عامل نفوذی سازمان‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل بوده‌است. یعنی سعید اسلامی. حالا خط دهندگان و حامیان سعید امای، امروز دیگر مشخص شده که یا انگلوفیل‌اند و یا رابطه ویژه با انگلستان دارند. حتی سلیمی نمین، معاون ریشه‌ری در وزارت اطلاعات و امنیت هم می‌گوید که جناح راست، که همین مولفه اسلامی و بخشی از روحانیت مبارز باشد بصورت سنتی با انگلستان ارتباط داشته‌اند و در جمهوری اسلامی و حتی در اوج جنجال

ترور سلمان رشدی این مناسبات گسترش یافته و توسط علینقی خاموشی، از رهبران مولفه اسلامی اداره شده‌است. ماجرای مسخره، اما بدقت طراحی شده بازرگان آلمانی "هوفر" هم یکی از همین خرابکاری‌ها در مناسبات ایران و آلمان بود. همین انگلوفیل‌ها در جمهوری اسلامی که تماماً در صف مخالفان جنبش مردم ایستاده‌اند. همان‌ها که طراح و مجری بسیاری از جنایات و توطئه‌ها در این دوران بوده‌اند، توانستند توسط عوامل خودشان در اروپا، که فلاحیان و سعیدامای آنها را در دهه دوم جمهوری اسلامی سازمان داده بودند به آلمان و اروپا اعزام کنند. حتی به نوشته بعضی مطبوعات داخل مثل صبح امروز، مامورانشان را به اروپا و آلمان فرستادند تا با برخی رهبران سازمان‌های سیاسی نوظهور و مشکوک ارتباط بگیرند. مطبوعات داخل از رهبر حزب کمونیست کارگری در همین ارتباط نام بردند. آنها ماجرای کنفرانس برلن را سازمان دادند تا در آستانه سفر خاتمی به آلمان، این سفر را ناممکن کنند. حیف که مطبوعات را بستند و فرصت ندادند تا این مسائل بدقت فاش شود. گرچه مطبوعات را با همین هدف بستند. یعنی جلوگیری از آگاهی مردم!

در مجموع می‌خواهم بگویم، سفر خاتمی به آلمان عبور از یک سد بود. برای آلمان هم شکستن این سد، برای آن رقابت سیاسی - اقتصادی که برایتان گفتم مهم بود. همین است، که دولت آلمان برای جلوگیری از هر حادثه‌ای پر قدرت‌ترین تدابیر امنیتی را اتخاذ کرد، در عین حال که رسمی‌ترین و محترمانه‌ترین تشریفات را هم برای این سفر برنامه‌ریزی کرد.

حالا ببینیم این باصطلاح روی گشاده‌ای که در مناسبات اقتصادی آلمان از خودش نشان داد، در چه سطحی است، و آن نیاز حضور در منطقه و گسترش مناسبات با ایران، چگونه باعث این روی گشوده شده‌است.

در آلمان یک بیمه دولتی وجود دارد بنام "هرمس". شما تابلویی از این بیمه در خیابان‌ها نمی‌بینید و مرکز اداری مشخصی هم ندارد. در واقع این بیمه‌ایست که سرمایه‌داری بزرگ آلمان آن را در اختیار دولت گذاشته‌است تا برای ضمانت سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران این کشور از آن استفاده کند. یعنی سرمایه‌داری بزرگ، که نفوذ تعیین کننده در دستگاه دولتی آلمان دارد، خودش این بیمه را برای تضمین سیاسی - اقتصادی سیاست‌های مشترکی که با دولت دارد در نظر گرفته‌است. صدر اعظم آلمان حاصل توافق‌های اولیه اقتصادی مذاکرات را اینگونه بیان کرد:

« آلمان حمایت از سرمایه‌گذاری در ایران را توسط بیمه سرمایه‌گذاری "هرمس" از ۲۰۰ میلیون مارک به یک میلیارد مارک ارتقاء خواهد داد و در آینده نیز مرز ۵۰ میلیون مارک برای بیمه یک پروژه از سوی ایران دیگر اجباری نیست.»

ایشان تصریح کرد: «با بالا رفتن سقف بیمه تا یک میلیارد مارک، حتی سرمایه‌گذاری در ایران را می‌توان از سقف یک میلیارد مارک بالاتر نیز برد.»

گفته می‌شود، این سقف را دولت آلمان تا ۶ میلیارد مارک در نظر گرفته‌است.

حالا ببینیم برآورد مطبوعات آلمان چیست. مطبوعات جدی آلمان، مثل اشپیگل، اشترن و فرانکفورتر آگماینه خاتمی را ساده و بی‌تکلف، اما زیرک ارزیابی کردند که مجهز به فلسفه و ادبیات نیز هست. این مطبوعات درباره تسلط خاتمی به فلسفه و ادبیات جهانی روی سخنرانی او هنگام دیدار وی از شهر "وایمار" که زادگاه "گوته" است تکیه کردند. خاتمی در این سخنرانی از تز گفتگوی "تمدن‌ها" در برابر تز "نبرد تمدن‌ها" که متعلق به "ساموئل هانتینگتون" است دفاع کرد و جا به جا از گوته نقل قول آورد، از جمله این نقل قول از گوته که «شرق و غرب دیگر قابل جدا شدن نیستند.»

مخالفان طرفدار حفظ سیستم مافیائی اقتصاد و بویژه تسلط سرمایه‌داری تجاری بر اقتصاد کشور هستند. آنها همانقدر که با آزادی‌ها مخالفند، با تولید داخلی و صنعتی شدن کشور هم مخالفند. می‌خواهند نفت بفروشند و جنس واردکنند و در کنارش به کار دلالی پر سود هم ادامه بدهند. برای این کار هم یک مافیای قدرت درست کرده‌اند. مافیائی که نیروی انتظامی را در اختیار دارد، فرماندهان سپاه را در اختیار دارد، انصار حزب‌الله و گروه‌های فشار را در اختیار دارد، تیم‌های ترور دارد، شبکه‌های اطلاعاتی - امنیتی دارد. خلاصه چیزی شبیه آنچه که در روسیه بوجود آمده‌است.

اصلاحات، در عین حال که از سدهای موجود بر سر راه آزادی‌ها باید عبور کند و تا حدودی هم در سه سال گذشته عبور کرده، باید سد این مافیا را هم بشکند و این کار هم ممکن نیست مگر با تغییر سیستم اقتصادی حاکم بر کشور. یعنی سیستم تجاری و دلالی حاکم بر کشور باید تغییر بنیادی بکند و ما برویم به سمت تولید. یعنی کارخانه‌ها از این حالت ورشکستگی خارج بشوند، صنایع گسترش پیدا بکند و تولید داخلی بازار مصرف داخلی را تامین کند.

قطعا برای رفتن به این سمت باید بازرگانی خارجی زیر نظر دولت قرار بگیرد و توزیع داخلی هم کنترل بشود. یعنی دولت ورود مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌ها را بر عهده بگیرد و دلال بازی توزیع داخلی را هم کنترل کند. این نخستین گام عملی و جدی برای مبارزه با قدرت سیاسی و اقتصادی مخالفان تحولات است.

**صنایع ایران طی ۱۰-۱۲ سال گذشته به نابودی کشانده شد. در صدر لیست صنایع نابود شده، صنعت نساجی کشور قرار دارد، که ورود پارچه از انگلستان به ایران نه تنها آن را نابود کرده‌است، بلکه کشت پنبه را هم در کشور به نابودی کشانده‌است.**

در تمام این ۱۲-۱۰ سال اخیر که سرمایه داری تجاری قدرت سیاسی را در ایران در اختیار داشته، آنها بیشترین مناسبات اقتصادی را با انگلستان داشته‌اند و هنوز هم مدافع همین تماس و محدود کردن مناسبات دولت با دیگر کشورها هستند تا مناسبات اقتصادی و طبعاً سیاسی خودشان را با انگلستان حفظ کنند. البته آنها با دیگر کشورهای جهان هم تجارت و معامله دارند، اما انگلستان سرآمد بقیه‌است.

خوب، ببینیم از دل این مناسبات اقتصادی و تجاری با انگلستان چه چیز بیرون آمده‌است. امروز ورشکسته‌ترین و بحران زده‌ترین صنعت ایران که قدیمی‌ترین آن هم هست، صنایع نساجی است که به نابودی کشانده شده‌است. ورود انواع پارچه از انگلستان به ایران کمر این صنعت را در کشور ما شکسته‌است. شما در روزنامه "کار و کارگر" داخل کشور هر هفته چندین خبر و تفسیر و نامه وارده در باره ورشکستگی این صنعت می‌خوانید. ما شنیده‌ایم که آقای فریبرز رئیس دانا، تحقیق بسیار جالبی در باره نابودی این صنعت طی سال‌های گذشته در جمهوری اسلامی کرده‌است. شما اگر دسترسی به ایشان داشته باشید می‌توانید گفتگوی با ایشان کرده و اطلاعات دقیقی را از زبان وی بشنوید.

حالا چنانچه مناسبات اقتصادی با آلمان و یا هر کشور دیگری در چارچوب گسترش صنایع داخلی، محدود کردن واردات خارجی، به راه افتادن چرخ‌های زنگ‌زده کارخانه‌ها و رفتن به سمت تولید داخلی باشد باید از آن استقبال کرد. اولاً رفتن به سوی این سمت‌گیری اقتصادی پایگاه اقتصادی - سیاسی مخالفان تحولات را تضعیف می‌کند، ثانیاً از تشدید نارضائی ناشی از بیکاری که مخالفان تحولات می‌کوشند آن را متوجه دولت کنند می‌کاهد و از آن بسیار مهم‌تر اینکه پایگاه جنبش کنونی را در میان کارگران و زحمتکشان وسعت می‌بخشد، بویژه اگر تشکل‌های کارگری منسجم شوند. به این ترتیب جنبش در عین حال که از حمایت تشکل‌های دانشجویی برخوردار است، پایگاه سازمان یافته کارگری هم پیدا می‌کند. تا ابد که جنبش نمی‌تواند متکی به تشکل‌های دانشجویی باقی

ایشان در این بحث و با اشاره به سخنرانی‌های دیگران خاطر نشان کرد: «... مدرنیته غربی را نمی‌توان همواره با استعمار برابر دانست، ولی به هر حال بر همین غرب مدرن به اندازه کافی انتقاد وارد هست. اصطلاح پست مدرن که در میان شما متداول است نشان می‌دهد که خود شما هم منتقد مدرنیته هستید...»

خاتمی در بخش دیگری از سخنرانی خودش در همین شهر و در قلب یک کشور بزرگ و قدرتمند سرمایه‌داری، نکته‌ای را طرح کرد که بویژه از نظر ما به عنوان نیروی چپ دارای اهمیت کلیدی‌است. او درباره "گلوبالیسم" گفت: «گلوبالیسم شبیحی است که در سایه آن اراده و ارزش‌های ابر قدرتی مثل ایالات متحده به دیگر کشورها تحمیل می‌شود. بایستی در مقابل آن ایستاد. ما طرفدار دنیائی چند قطبی هستیم و باید برای ایجاد آن تلاش کنیم. در این صورت هر فرهنگی جایگاه ویژه خود را خواهد داشت.»

**ما از مناسبات سیاسی و اقتصادی که در جهت گسترش صنایع و تولید داخلی باشد و استقلال ملی را در نظر داشته باشد حمایت می‌کنیم!**

**مخالفان** - حالا ببینیم مخالفان سفر خاتمی در آلمان و در خارج از کشور چه جریاناتی بودند. بخشی از اعضای پارلمان آلمان که بتدریج در نظرات خود تجدید نظر کردند و بعد هم جامعه پر قدرت یهودیان آلمان که دعوت به تظاهرات اعتراضی هم به بهانه دادگاه کلیمیان ایرانی کرد. در این میان سازمان مجاهدین خلق هم همان نمایش‌های همیشگی‌اش را با خرج از کیسه‌ای که روز به روز مردم بیشتر کنجکاو می‌شوند سرش در دست کیست و چرا چنین سخاوتمندانه در اختیار این سازمان قرار می‌گیرد به نمایش گذاشت. از ساختمان‌های مخصوص متقاضیان پناهندگی عده‌ای را جمع کردند در برلین. این متقاضیان هم اغلب در این نوع تظاهرات و حتی ماجرای کنفرانس برلین کاسه از آش داغ‌تر می‌شوند و سعی می‌کنند عکسشان در حال ناسزا گوئی و یا در حالیکه پلاکارد ضد جمهوری اسلامی در دست دارند گرفته شود و در مطبوعات چاپ شود تا بلکه مدرکی شود برای قبول پناهندگی‌شان. از اروپا هم می‌خواستند عده‌ای را همینطور جمع کنند و به آلمان بیاورند که دولت آلمان بشدت در برابر این کار ایستاد. بطور کلی آلمان تدابیر امنیتی شدیدی را به اجرا گذاشت. حتی گفته می‌شود که چند لبنانی که پیش از سفر خاتمی وارد آلمان شده بودند، در جریان خنثی سازی یک طرح ترور دستگیر شده‌اند. البته، این امر بسیار هم محتمل بود. همان‌ها که در ایران منتظر فرصتی برای ترور خاتمی و یا درست کردن یک حادثه هوایی و یا انفجار در محل کار او هستند، خیلی هم دلشان می‌خواست در آلمان به این هدف دست پیدا کنند. در این صورت به چند هدف رسیده بودند. اولاً مناسبات آلمان و ایران بشدت تیره می‌شد، ثانیاً این ترور را به گردن اپوزیسیون خارج از کشور می‌انداختند، که البته مجاهدین خلق همیشه برای این نوع پذیرش مسئولیت‌ها رزرو شده‌اند، ثالثاً بقول خودشان از شر خاتمی خلاص شده بودند. بهرحال این اعمال، چه شایعه بود و چه غیر شایعه عملی نشد.

**منافع ملی ایران چگونه تامین می‌شود!**

در این میان آن سؤال مهمی که مطرح است آنست که چگونه ایران می‌تواند از منافع خودش در این نوع مناسبات اقتصادی دفاع کند. من چند نکته را در این ارتباط لازم می‌دانم طرح شود. ابتدا ریشه‌های اقتصادی - سیاسی مخالفت‌های داخل کشور و بعد هم وظیفه دولت کنونی در دفاع از منافع ملی ایران.

مخالفان داخلی سفر خاتمی به آلمان، همان مخالفان اصلاحات و جنبش مردم هستند. اما اینها فقط با آزادی مخالف نیستند چون ضد آزادی هستند. آنها ضد آزادی مردم و طرفدار آزادی خودشان هستند. این

کشور باشند. در تمام سال‌های ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی شما در مطبوعات ایران یک خبر در باره قرض‌های خارجی، قراردادهای نفتی و طراز بازرگانی ایران نخواندید. فقط همین اواخر، جزئیات یک قرار داد نفتی با یک شرکت ایتالیایی را مطبوعات نوشته‌اند که ظاهراً بهتر از قراردادی است که با شرکت "توتال" بستند و هنوز هم معلوم نیست جزئیات آن قرارداد چیست.

در زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی ما اعتقاد داریم که مجلس باید چارچوب این کار را چنان تعیین کند، که سرمایه‌گذاران حق واگذاری و یا فروش آن را به شرکت‌های دیگر، بدون موافقت دولت ایران نداشته باشند. در غیر اینصورت ما ناگهان شاهد خواهیم بود که مجموع سرمایه‌گذاری‌های خارجی در یک کنسرن بزرگ متمرکز شده، امکان مانور ایران بین شرکت‌های مختلف و پیشنهادهای مختلف از بین می‌رود و در نهایت این کنسرن‌ها خواهند بود که سرنوشت سیاسی کشور را تعیین خواهند کرد و این یعنی بر باد رفتن استقلال کشور. مورد دیگر مالیات سود ناشی از سرمایه‌گذاری و قوانین لازم برای خروج این سود از کشور است، که طبعاً ما ترجیح می‌دهیم بصورت کالا باشد و نه ارز، چرا که بازاریابی نیز فقط به دوش ایران نخواهد بود و سرمایه‌گذار خارجی هم در برابر آن متعهد می‌شود و همین تعهد باعث تلاش برای بالا بردن کیفیت کالا نیز می‌شود. انواع این پیش‌بینی‌ها وجود دارد که قطعاً از نظر اقتصادی و در چارچوب منافع ملی ایران و استقلال کشور باید به آن پرداخت.

در این بخش آخر گفتگو، من فقط سعی کردم تا آنجا که به این گفتگو مربوط می‌شود، ریشه‌های مخالفت‌های داخل کشور با سفر خاتمی به آلمان را برای شما توضیح بدهم. البته این دیدگاه "راه‌توده" است، شاید دیگران نظرات دیگری داشته باشند. ما اینطور فکر می‌کنیم.

خدابخشیان: ما به همه نظرات احترام می‌گذاریم و همه دیدگاه‌ها را پخش می‌کنیم تا شنوندگان ما از چند بعد با مسائل آشنا شوند. راه‌توده: امیدوارم این سیاست را شما بتوانید ادامه بدهید، زیرا اخیراً یکی از همکاران راه‌توده که مقیم امریکاست، نواری را از برنامه شما برای ما ارسال داشته بود که مربوط بود به اظهارات یکی از شنوندگان برنامه شما و طبعاً، شنونده این گفتگوهای ما. ایشان معترض شده بود که «حالا دیگر باید نظرات توده‌ای دوم خردادی‌ها را هم بشنویم!» شما پاسخی که داده بودید تشریح سیاست رادیوی خودتان بود. یعنی پخش نظرات مختلف، یعنی همین سیاستی که الان هم گفتید. ایکاش من شخصاً این فرصت را داشتم تا روی خط رادیویی شما، از این شنونده محترم متقابلاً سؤال می‌کردم: «مگر جنبش و تحولات که شما از آن بعنوان دوم خرداد یاد می‌کنید حصارکشی شده است؟ مرزبندی دارد؟ خودی و غیر خودی دارد؟ این چه حرفی است؟»

اتفاقاً اگر یک جریان سیاسی نسبت به همه مهاجرین و حتی بخشی از نیروهای داخل کشور مدعی باصلاح شما "دوم خرداد" باشد، این توده‌ایها و راه‌توده است. به ایشان توصیه می‌کنم شماره‌های ۵۵ تا ۶۳ راه‌توده را مطالعه کنند تا ببینند ما در باره ضرورت شرکت درانتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم، ضرورت حمایت از محمد خاتمی و از آن پیش‌تر، ضرورت ورود خاتمی به صحنه، پس از اعلام انصراف میرحسین موسوی چه نوشتیم و چه گفتیم. درباره قیام مردم در اسلام شهر چه ارزیابی را ارائه دادیم، مهاجرین را چگونه و با چه استدلالی دعوت به قبول واقعیات جنبش مردم، پیش از دوم خرداد کردیم. ایشان بعد از خواندن این شماره‌های راه‌توده، از خودشان سؤال کنند «آیا توده‌ایها، راه‌توده و شخص بنده که بعنوان توضیح دهنده مشی راه‌توده با شما صحبت می‌کنم بیشتر از خیلی از مدعیان امروز دوم خرداد حق دفاع از جنبش مردم را داریم یا خیر».

بماند! بنظر ما جنبش کنونی سمت‌گیری رادیکال و چپ دارد و حتماً در صورت تقویت بخش تولید در اقتصاد کشور، این چپ توان تاثیر گذاری جدی روی تحولات را خواهد یافت.

مخالفان تحولات این نکات را خیلی خوب می‌دانند و به همین دلیل است که روز به روز بر مقاومتشان در برابر تحولات، رفتن به سمت تولید و گسترش تشکلهای کارگری را بیشتر می‌کنند. با آزادی‌ها و مطبوعات هم مخالفند چون این مسائل در آنها ممکن است مطرح شود و حتماً هم خواهد شد. آنها در برابر مجلس هم بصورت بسیار جدی خواهند ایستاد، اگر این مجلس برود به سمت تصویب لویحی در جهت محدود کردن بازرگانی خارجی و تخصیص بودجه بیشتر برای گسترش تولید داخلی. می‌بینید که مخالفان جنبش چاره‌ای ندارند جز آنکه با تمام هستی‌شان در برابر تحولات اساسی بایستند، زیرا تحولات هستی سیاسی - اقتصادی آنها را، که بصورت مافیایی با قدرت حکومتی گره خورده نشانه گرفته و بیشتر هم خواهد گرفت.

از اینجا به بعد است که گسترش مناسبات اقتصادی با آلمان برای مخالفان جنبش غیر قابل تحمل است، با هر کشور دیگری هم که به سیستم تجاری - بازرگانی حاکم بخواهد ضربه بزند مخالفند. آنها خوب می‌دانند که اگر این روند طی شود، فردا باید اتاق بازرگانی را به دولت واگذار کنند، دست کمیته امداد امام، آستان قدس و بنیاد مستضعفان هم از بازرگانی کوتاه می‌شود، و وقتی چنین شد، انصار حزب‌الله و نیروهای انتظامی هم دیگر برای آقایان تره خرد نخواهند کرد و قضات ریز و درشتی هم که فعلاً در قوه قضائیه برای این و آن حکم صادر می‌کنند، وقتی دستشان از تجارت و بودجه محرمانه کمیته امداد و آستان قدس و بنیاد نبوت و بقیه این بنیادها کوتاه شود، دیگر از این حکم‌ها به این آسانی‌ها صادر نمی‌کنند. همه این بنیادها دستشان در تجارت و توزیع داخلی و دلال بازی بند است و با تغییر سیستم اقتصادی حاکم، خواه نا خواه مخالفند. دفاع از ارزش‌های اسلامی و مبنای دین و کیان اسلام و بقیه این حرف‌ها همه‌اش پوچ است، آقایان از دو چیز وحشت دارند، اولاً از دست دادن قدرت اقتصادی و ثانیاً فاش شدن آن خیانت‌ها و جنایت‌هایی که در جمهوری اسلامی مرتکب شده‌اند تا قدرت سیاسی را به چنگ آورده‌اند. به همین دلیل است که ما مرتب گوشزد کرده‌ایم هرچه سریعتر یورش به مافیای اقتصادی را شروع کنید و اخبار و اطلاعات مربوط به آن را در اختیار مردم بگذارید تا بسیج عمومی ممکن شود. یکی از انتقادهای جدی به روزنامه‌های باصلاح دوم خردادی در سه سال اخیر کم بهاء دادن به همین مسئله بوده‌است. دولت هم در این زمینه کم کاری کرد و لویحی را به مجلس نبرد که علیه سیستم تجاری حاکم بر کشور باشد. ایکاش برده بود و مجلس پنجم جلوی این طرح‌ها می‌ایستاد تا مردم بدانند مخالفان جنبش فقط مخالف آزادی‌ها نیستند، بلکه مخالف از دست دادن قدرت اقتصادی خودشان هستند و با آزادی‌ها هم به همین دلیل مخالفند تا مردم ندانند در جمهوری اسلامی چه گذشته و چه می‌گذرد؛ چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی!

بنابراین، مناسبات اقتصادی با آلمان، اگر آنگونه که گفته می‌شود سمت‌گیری جدی برای گسترش صنایع داخلی ایران داشته باشد مفید است و باید از آن استقبال کرد. ما شنیده‌ایم که آلمان، در سفر خاتمی به این کشور، از جمله پذیرفته است سرمایه‌گذاری کند روی پتروشیمی ایران و گسترش آن. این امر یعنی نرفتن به سمت فروش تام و تمام نفت، یعنی همان چیزی که سرمایه داری تجاری ایران طرفدار آنست و انگلستان و شرکت‌های نفتی هم از آن استقبال می‌کنند.

در اینجا می‌ماند آن قوانین و مقرراتی که دولت و مجلس ایران باید در ارتباط با سرمایه‌گذاری خارجی و مناسبات اقتصادی با کشورهای بزرگ سرمایه داری تصویب کند. ما در این زمینه حرف داریم و معتقدیم که باید مطبوعات در ارتباط با آن بنویسند تا مردم ناظر و مدافع استقلال